

گزارش شهروند

پر خواننده ترین روزنامه ی فارسی زبان امریکای شمالی

از همایش نقد و بررسی آثار دو کتور شعور

بزرگداشت دکتر شعور به دیده گیری فرهنگ و ادب

همایش نقد و بررسی کارکردهای فرهنگی دکتر اسدالله شعور
دسامبر ۲۰۰۵ - دانشگاه تورنتو

فرح طاهری

farah@shahrvand.com

جامعه افغان های مقیم تورنتو برای نخستین بار گرد آمدند تا از یکی از پژوهشگران عرصه فرهنگ افغانستان تجلیل کنند و به نقد و بررسی کارهای او بنشینند. شنبه ۱۷ دسامبر در دانشگاه تورنتو بزرگداشت دکتر اسدالله شعور بود. حدود پانصد تن از افغان ها و ایرانیان ساکن تورنتو در این همایش شرکت داشتند.

یکی از
خستگی ناپذیر
فولکلوریک،
شفاهی، موسیقی
مختلف فرهنگ
و نیم قاره هند



دکتر شعور
پژوهشگران
عرصه ادبیات
ادبیات
و عرصه های
آسیای مرکزی
است.
این
مصادف بود
سالروز تولد
در ۲۹ آذر

بزرگداشت
با پنجاه و پنجمین
او. دکتر شعور
سال ۱۳۲۹ در

شهر کابل به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کابل گذراند و در سال ۱۳۵۴ در رشته روزنامه نگاری از دانشگاه کابل لیسانس و در سال ۱۳۵۹ در همین رشته فوق لیسانس

گرفت. مدت ده سال در رادیو و تلویزیون افغانستان مدیریت بخش اخبار و بخش های دیگری را برعهده داشت. مدت دو سال کارمند علمی مرکز زبانها و ادبیات آکادمی علوم افغانستان بود. دکتر شعور در جریان کودتای ثور ۱۳۵۷ مدت پنج سال زندانی سیاسی شد و پس از رهایی مجبور به ترک میهن گردید.

دکتر شعور بعدا در تاجیکستان، هند و کانادا آموزش را ادامه داد و در رشته ادبیات شفاهی دکتر گرفت. او مانند بسیاری از هموطنانش مدت بیست سال در مهاجرت به سر برده و در تورنتوی کانادا اقامت دارد.

دکتر شعور در سمینارها و سمپوزیوم های ملی و بین المللی متعدد در افغانستان، تاجیکستان، هند، کانادا، آمریکا و انگلستان به عنوان سخنران شرکت کرده و ۲۷ جلد کتاب و رساله در زمینه های ادبیات شفاهی، تاریخ، موسیقی، و ادبیات کلاسیک و معاصر افغانستان منتشر کرده است.

دکتر شعور قبلا مسئولیت بنیاد فرهنگ افغانستان در کانادا و فعلا مسئول کانون فرهنگ و هنر چلچراغ را به عهده دارد. شهرت افتخار دارد که بارها مقالات ارزشمند ایشان در زمینه های فرهنگ را به چاپ رسانده است و زبان مشترک را پلی مردم همزبان ایران و افغانستان.



آقای احسان پاکزاد از شاعران جوان افغان مجری برنامه بود و معرفی هر سخنران را با میگرد که مورد تشویق حاضران قرار میگرفت.

مراسم با خواندن آیاتی از قرآن توسط آقای سیدزاده آغاز شد و با سخنان آقای مهندس برهان عقاب رئیس مجمع فرهنگی افغان های مقیم کانادا ادامه یافت. آقای عقاب با شعری از مولانا آغاز کرد و به نمایندگی از سوی مجمع به حاضران خوشامد گفت و افزود:

انگیزه اصلی برگزاری این سمپوزیوم در روند جاری خواستها و آرمانهای انسانی مردم ما نهفته است که

بیرحمی و
تاریخ معاصر
سر گذاشته و
با نیروهای
عقبگرا و بیش
بازدارنده
متجاوزان
گریبان بوده و
سیاسی،
نظامی و
دولتی و
اخلاقی و
نیاکان شان



نهایت
شقاوت
را پشت
در مجادله
اهریمنی
های
تاریخ و
دست به
داشته های
اقتصادی،
تشکیلاتی
فرهنگی،
افتخارات

ضربه جبران ناپذیری متحمل شده است.

سخنران سپس با اشاره به وضعیت نسبتاً با ثبات کنونی در افغانستان افزود: اما بندها و زنجیرهای حاکمیت های فردی، گروهی و محلی، فقر و بیسوادی، و اثرات ناگوار جنگ سه دهه اخیر از دست و پای مردم ما رها نشده، افزون بر آن در برخی مناطق کشور هنوز جنگ و خونریزی دوام دارد.

آقای عقاب ساختار جامعه آزاد و مترقی را در وجود یک ملت واحد با کثرت گرایي تعلقی

حقوق

ضمانت

قانون

که توسط

وجود می

خواند و

در جامعه

این راستا

را فراتر

تعلقیات ها

را سازنده

آینده ای

خونریزی



ها بر پایه

شهری و

حقوقی آن در

اساسی کشور

خود مردم به

آید میسر

به نقش

روشنفکران

پرداخت و در

نقش

روشنفکران

از مرز

خواند و آنها

و راهگشای

بدون

و تحت حاکمیت قانون نامید.

آقای عقاب افزود: "جامعه ما در حال سر بیرون کردن از درون اختلافات ملی و محلی قرار دارد... به نظر ما این مرحله شکل گیری یک تفکر واحد در ساختار جامعه نوین و نظام اجتماعی آینده کشور، با در نظر داشت گسیختگی اعتماد ملی، مقاومت عقب گرای سنت ها، بنیادگرایان و حاکمان خودسر که در جریان سی سال اخیر... به حیث پشتوانه قدرت و تجمع ثروت استفاده برده، نیاز مبرم به اتحاد و هماهنگی نیروهای ملی و شخصیت های مستقل که دارای آرمان ملی مشترک بوده، دارد."

او سپس با اشاره به این که این همایش نخستین کار جمعی نهادهای فرهنگی، رسانه ها و شخصیت های ملی جامعه افغان هاست گفت، اینها با اعتقاد به این امر که فرهنگ یگانه نقطه مشترک برای ایجاد فضای شناخت و اعتماد متقابل میان همه افغان های داخل کانادا میباشد به سازماندهی چنین همایشی همت گماشتند.

نهادهای همکار در این سمپوزیوم کانون فرهنگ و هنر چلچراغ، نشریه فروغ، مرکز طرح و نشر آشیان، انجمن رودکی پاریس، انجمن زبان و فرهنگ آذری ها، انجمن فرهنگی ازبکان افغانستان و رادیوی همبستگی بودند.

در پایان آقای عقاب اسامی حامیان مالی برنامه را خواند.

پس از سخنان رئیس مجمع فرهنگی افغانهای مقیم کانادا، آقای عبدالرحمان شکیب به زبان انگلیسی خیرمقدم گفت ولی در آغاز با شعری از مولانا به فارسی آغاز کرد و بعد ترجمه انگلیسی آن را خواند.

آقای هژیر شینواری نویسنده و کاریکاتورست افغان مقیم کانادا پیام استاد واصف باختري را قرائت کرد. خانم محبوبه نیکیار به نمایندگی از نشریه فروغ پیام خود و دکتر اکرم عثمان را خواند.

آقای احسان پاکزاد شعري از ضیاء رفعت خواند:

بام و تل کوهسار ما آزادي ست

سرو و سمن و چنار ما آزادي ست

القصة به قاموس سرافرازيها

نام دگر دیار ما آزادي ست

و با این شعر آقای حسن زرهي را دعوت کرد تا پیام خود را از سوي جامعه فرهنگي ایرانیان



کانادا و نشریه شهروند بخواند.

آقای زرهي در بخشي از پیام خود گفت:

... براي ما فرهنگ ورزان ایرانی این سوي آبهآ، و بویژه براي من و همکارانم در شهروند که بخت چاپ برخي از آثار استاد را براي نخستین بار داشته ایم، سپاس از دکتر شعور و خدمات فرهنگي فراوان و پژوهشگرانه او در عرصه هاي عدیده ي اجتماعي و ادبي به دیده گیری فرهنگ و زبان و اشتراکات بسیار دیگر در هر دو نیمه ي ماست. در همین نفسگاه مشترك است که فضاهای فرهنگي ما زادگان این زبان در هم تنیده میشود، و بارش کلمات کار خودش را میکند. و بزرگداشت ایشان و اهالی فرهنگ چون او به دیده گیری فرهنگ و ادب و کوشش های خستگی ناپذیر اهالی این حرفه و عرصه بویژه در غربت و محنت دوری از وطن و مردم و زادگاه و زبان آنان است.

امید دارم مشترکات بسیار ما بانی گسترش همکاریهای اجتماعي و فرهنگي دیگر و بیشتر شود، و همین محفل عزیز سپاس از دکتر شعور را به فال نیک مي گیریم و ضمن قدردانی صمیمانه از خدمات خستگی ناپذیر استاد، آرزوی انجام امور فرهنگي مشترك دیگر و بیشتر داریم.

آقای پاکزاد در استقبال از شعر قبلي، شعري از خود خواند:

شیرازه جسم و جان ما شعر و غزل
 آمیخته با روان ما شعر و غزل
 این نکته نگر که نزد ارباب سخن
 نام دگر زبان ما شعر و غزل

و سپس پیام دکتر عارف نوشاهی به نمایندگی اداره معارف نوشاهی اسلام آباد پاکستان را قرائت کرد که پیامی بسیار صمیمی و عاطفی بود.

خلاصه ای از این پیام که " حلقه پیوند فرهنگ افغانستان و شبه قاره " را بر پیشانی دارد، در زیر

... از سال
 شعور را
 وقتی او
 تشنه علم بود،
 در نسخه
 رساله های
 کتابخانه های
 اسلام آباد
 وجه مشترکی
 دوستی
 دوامدار ما



میخوانید:
 ۱۹۷۷ دکتر
 میشناسم،
 جوان رعناي
 برای پژوهش
 های خطي
 معما در
 پاکستان به
 آمده بود.
 که سبب
 مستحکم
 گردید، علاقه

مندي هر دوي مان به نسخ خطي و کار با آنها بود. چند ماه بعد در آوریل ۱۹۷۸ به سفر کابل رفتم؛ کابلی که هنوز به بهشت سوخته تبدیل نشده بود. داکتر شعور میزبان من بود و مرا هر جا میبرد؛ به جاهای دیدنی، به کتابخانه ها، به نزد فضلا و شعرا و..... من با یک احساس سرشار از دوستی پایدار، به اسلام آباد برگشتم.

دیري نپایید که خبر آمد آتش سرخ بهشت کابل را فرا گرفته است. بعد از آن هرچه بر افغانستان عزیز و ملت شریف آن رفت، به روشنی بر همه کس معلوم است. درین میان من نگرانی سلامت دوستانی را داشتم که در سفر کابل با ایشان رشته مودت بسته بودم و از جمله داکتر شعور که سابقه آشنایی ام با او اندکی بیشتر از دیگران بود...

پس از ۲۴ سال خبر سلامت دکتر شعور را از زبان خودش می شنیدم... او به اسلام آباد آمده بود، این بار هم به سراغ نسخه های خطي. با وجود همه سختی های زندگی، عشق به نسخه های خطي را از دل بدر نکرده بود. این دفعه نسخه خطي موسیقي را جستجو میکرد.

... کشورهای شبه قاره با کشور همجوار خود افغانستان قرابت های چندگانه دارند؛ قرابت دینی، زبانی، ادبی و تاریخی... و در طول
 ها همیشه داد و ستدهای
 یکدیگر شریک و سهیم بوده
 دوستی مردمان نیم قاره و
 که در تجلیل علمی او از راه
 میکنم.

تاریخ فضلا، ادبا و شعراي این سرزمین
 فرهنگی داشته، و در شادی و غم های
 اند. دکتر شعور نیز حلقه وصل
 افغانستان است، ازین رو خوشحالم
 دور ولی با قلب نزدیک شرکت



دکتر فیض الله ایماق پیام شعبه

پس از پیام دکتر عارف نوشاهی،

نشريات تاشكند را خواند و دكتور حسين دانشور پيام اتحاديه افغان هاي مقيم انتاريو را؛ همچنين پيام شعبه فولكلور آكادمي علوم تاجيكستان را آقاي عبيد اوركزاي قرائت كرد.

در ساعت شش و نيم تنفس اعلام شد تا از حاضران پذيرايي شود. پس از پذيرايي بهرام ايگن بيردي هنرمندي از اوزبكيستان با نواختن تار دو ترانه خواند و در ادامه پيام دكتور رضا براهني منتقد، نويسنده و شاعر ايراني و رئيس سابق انجمن قلم كانادا از طريق تلفن در سالن پخش شد. دكتور براهني قرار بود يكي از سخنرانان مراسم باشد كه به دليل ابتلا به بيماري نتوانسته بود در مراسم حضور يابد و در تماس تلفني با آقاي زرهي پيام خود را به گردهمايي رساند.

پيام به مراسم بزرگداشت محقق افغاني، دكتور اسدالله شعور

بسيار مايه سرافرازي است كه بزرگداشت امروز دانشوران ارجمند افغاني و ايراني، به نام استاد دكتور اسدالله شعور به مناسبت پنجاه و پنجمين زادروز پژوهشگر افغانستان سكه خورده است. من بسيار شرمنده ام كه به سبب خستگي مفرط ناشي از زكام نتوانستم در مجلس بزرگداشت ايشان شخصا شركت كنم، هر چند بزرگان به مراتب شايسته تر از من، دين تاريخ فرهنگ افغانستان و ايران و ساير كشورهاي همجوار را به استاد دكتور شعور ادا خواهند كرد. ادبيات فارسي هرگز همچگونه ديواني بين افغانستان و ايران و تاجيكستان را به رسميت نشناخته است. وقتي كه از ادبيات سخن ميگويم بي درنگ پايخت هاي بزرگ شعر از آسياي مركزي از بخارا، بلخ، غزني، نيشابور، تا

شيراز، اصفهان، تبريز، گنجه و هاي متعلق به منبع نوري واحد روشن ميشوند. اينجاست كه سهم خود را در حوزه هايي كه باشند، جلوه هاي خود را پيدا شفاهي، فرهنگ توده، ترانه محلي، ديدگاههاي ادبيات شفاهي همه از يك روحيه دقت در خود



قونيه در ذهن، مثل نورافكن به يك چشم زدن در برابرمان پژوهش هاي آقاي دكتور شعور، شايد ديگران به فراموشي سپرده ميكند. كتابهاي متعدد در ادبيات هاي مردمی به لهجه هاي زبانهاي محلي افغانستان. اينها

و دقت در آن ديگري با حسي از چند رنگي سرچشمه ميگيرد، و حتي بخشهايي از ادبيات و نگارش مکتوب مکتوم مانده از دید ديگران را نیز در بر ميگيرد، و بعد اين دقت شامل حال تطبيق موسيقي و شعر از سويي، و موسيقي كشورهاي همسايه جغرافيايي و معنوي افغانستان از پاكستان و هند و ايران و تاجيكستان ميشود.

من پنجاه و پنجمين چرخش زادروز استاد عزيز دكتور اسدالله شعور را به خود ايشان، به همه فرزندان افغانستان، و به همه ي دانشمندان و دانش پژوهاني كه امروز و امشب در دانشگاه تورنتو گرد آمده اند تبريك عرض ميكنم و صميمانه و با اشتياق چشم انتظار ادامه خدمات ارزنده آينده ايشان به فرهنگ افغانستان و ايران و منطقه مي مانم.

در اين بخش سمينار نقد و بررسي كاربردهاي فرهنگي با حضور شركت كنندگان زير آغاز شد:

دكتور فيض الله ايماق، استاد رباني بغلاني، دكتور پروين پژوهشگر، مهندس برهان عقاب، پرفسور زاهدي، پرفسور كبرا مظهري، آقاي حسن زرهي، خانم فاطمه اختر(شاعر) و خانم بهشته جاغوري.

قبل از همه دکتر عبدالقیوم بلال خلاصه ای از نقد خود بر آثار موسیقی دکتر شعور را خواند. قرار بود شرکت کنندگان در سمینار هریک خلاصه ای از بررسی خود را در زمینه کارهای دکتر اسدالله شعور ارائه کنند ولی به دلیل ضیق وقت تنها استاد ربانی بغلانی موخره مقاله خود را خواند و دکتر کبرا مظهری نیز بخشی از مقاله اش را به زبان پشتو ارائه کرد. قرار است که مقالات کامل در آینده در کتابی از سوی مجمع فرهنگی افغانستانی مقیم کانادا چاپ شود.

پس از سمینار پرفسور زاهدی که در دانشگاه استاد دکتر شعور بوده به همراه رئیس مجمع فرهنگی افغانستانی مقیم کانادا لوح سپاسی را تقدیم دکتر شعور کردند و دکتر شعور طی سخنان کوتاهی از برگزارکنندگان، شرکت کنندگان و بویژه از دکتر براهنی تشکر کرد.

پایان بخش این گردهمایی کنسرت موسیقی کلاسیک افغانستان توسط استاد الطاف حسین سرآهنگ ملقب به سگنیت سمیرو، غزل خوان و موسیقی دان مشهور و پسر ارشد و شاگرد زنده یاد استاد سرآهنگ بود که با نواي ساز و آوای خود شرکت کنندگان را به وجد آورد.

استاد الطاف حسین سرآهنگ پنجاه سال دارد و به سبک موسیقی کلاسیک کار میکند و غزلخوانی را به گفته خودش از پدر و پدر بزرگش ارث برده است. او لقب استادی را در سال ۱۹۹۲ از دانشگاه بسن بهار گرفت.

موسیقی را در سال شهر چندبگر گرفت. او لقب استاد آواز گرفت و پاچا را از طرف استاد الطاف حسین آنجلس و لندن اجرا ژاپن و آلمان در نظر

سرآهنگ را در دهلی پایتخت هند ایجاد کنند.

موسیقی افغانستان ریشه در موسیقی هند دارد اما کاری که استاد سرآهنگ پدر الطاف حسین کرده این است که صوفیزم را در موسیقی هند گنجانده و ابیات دری و فارسی را در آن وارد کرده است.

استاد الطاف حسین اشعاری از شاعرانی چون ابوالمعالی، جلال الدین محمد بلخی، حافظ، سعدی، صائب، هلالی، و ... انتخاب و در بین غزلخوانی از آنها استفاده می کند که این مکتب خاص استاد سرآهنگ (پدرش) میباشد و به آن بیدل خوانی میگویند.

استاد الطاف قصد دارد مکتب استاد محمد حسین سر آهنگ را در کابل ایجاد کند.

حضور استاد بزرگ موسیقی افغانستان پایان پرشوری بود بر مراسم بزرگداشت دکتر شعور. موفقیت های بیشتری در عرصه های پژوهش های فرهنگی برای دکتر شعور آرزو میکنیم.

